

مبانی فقهی وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی جامعه دینی *

□ محمد عترت دوست **

□ محمد عبدالرحیمی ***

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل نظام اسلامی، فراهم کردن زمینه‌های پرورش فضایل اخلاقی و تربیت انسان‌ها و رساندن ایشان به کمال مطلوب است. نیروی انتظامی یکی از مهم‌ترین ارکان نظام اسلامی و عملکردش کمک به نظام اسلامی برای رسیدن به آن هدف عالی است. تحلیل فقهی جایگاه نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی جامعه و وظیفه تربیتی آن، ابهامات و شبهاتی را که هم برای نیروهای انتظامی و هم برای مردم پیش می‌آید - از نظر حدود و حقوق هر کدام - برطرف می‌کند. این تحقیق با رویکرد فقهی و استنباط اجتهادی و جمع‌آوری و تحلیل متون دینی، در پی اقامه دلیل و استخراج حکم فقهی و پاسخ‌گویی به این پرسش است که: آیا افراد نیروی انتظامی در قبال تربیت جامعه اسلامی وظیفه‌ای شرعی بر عهده دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، حکم فقهی این وظیفه کدام است؟

نتایج استنباطی پس از گردآوری و تحلیل داده‌های متنی، حکایت از اثبات وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی جامعه از رهگذر شش دلیل خاص (آیات تزکیه، لزوم تأسی، لزوم آمادگی در برابر دشمنان، سیره معصومان علیهم‌السلام دلیل عقلی و لزوم اطاعت از ولی امر) و هفت دلیل عام دارد.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵.

** گروه معارف اسلامی، دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
(m.etratdoost@gmail.com).

*** گروه اخلاق اسلامی، دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران:
(m.abdolrahimi32@gmail.com).

در مجموع، با کمک این ادله که برخی بر وجوب و برخی بر استحباب تربیت اخلاقی جامعه توسط نیروی انتظامی دلالت دارند، می‌توان حکم به وجوب فقهی برای افراد این نیرو در جهت گسترش تربیت و آداب اسلامی در جامعه نمود.

کلید واژه‌ها: وظیفه، تربیت اخلاقی، نیروی انتظامی، پلیس، فقه.

مقدمه

پلیس را می‌توان یکی از ارکان جوامع مدرن دانست که نقشی اساسی در ایجاد نظم و امنیت و شکل‌گیری روابط متعادل اجتماعی ایفا می‌کند. پلیس از یک سو عاملی برای خوش‌رفتاری و رعایت عدل و انصاف در روابط اجتماعی و از سوی دیگر مانعی برای بروز بدرفتاری‌ها در روابط میان‌فردی است و این همه حکایت از داشتن نوعی «نقش تربیتی» در جامعه دارد. می‌توان گفت بدون نظم و امنیت و بدون حس امنیت توسط شهروندان، رشد و تربیت جامعه مقدور نمی‌گردد. حال با توجه به نقش تربیتی افراد پلیس، تربیت خود آنان در ابعاد مختلف، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا «فاقد شیء نمی‌تواند مُعطی شیء باشد» (برنجکار و نصرتیان اهور، ۱۳۹۶: ۱۰۰)؛ کسی که خود تربیت نشده و رشد نیافته باشد نمی‌تواند موجب تربیت و رشد دیگران شود.

با توجه به اقتضائات کار پلیسی، تربیت افراد پلیس نیز دشواری‌ها و پیچیدگی‌های منحصر به فردی دارد. اگر بپذیریم که هر جامعه‌ای یک روی خوش و یک روی ناخوش دارد و دسته‌ای از افراد آن نیکوکار و قانون‌پذیر و دسته‌ای دیگر بدکار و قانون‌گریز هستند، می‌توان گفت اقتضای کار پلیسی و ماهیت وظایف نیروی انتظامی به گونه‌ای است که آنان عموماً با روی ناخوش و افراد بدکار و قانون‌گریز جامعه سروکار دارند. حال با توجه به این که طبع آدمیان از تلنگر، تذکر، جریمه و تنبیه‌گریزان است و این امور موجب تلخ‌کامی آنان می‌شود افراد نیروی انتظامی کسانی هستند که عموماً اجرای این امور تلخ را بر عهده دارند و این می‌تواند موجب تلخ‌کامی خود آنان نیز بشود.

افزون بر تمام این مشکلات، افراد پلیس، گاه در انجام مأموریت‌ها و وظایف خود دچار سردرگمی‌ها و ابهامات مختلف می‌شوند. این که «آیا انجام این مأموریت یا وظیفه درست است یا نه؟»، «آیا انسانی و اسلامی است یا نه؟» و مانند این پرسش‌ها افراد نیروی انتظامی را با ابهامات و چالش‌های متعددی از جمله: «ابهامات و چالش‌های فلسفی-نظری؛ ابهامات و چالش‌های قانونی؛ ابهامات و چالش‌های مدیریتی-اجرایی؛ ابهامات اخلاقی در شیوه‌های

عملیات روانی؛ ابهامات اخلاقی در عملیات پلیس مخفی و اطلاعات» روبه‌رو می‌کند. آنان ممکن است در انجام وظایف، از سوی فرمانده و سازمان خویش مورد سرزنش و انتقاد قرار گیرند که چرا در اجرای فرمان و قانون سهل‌انگاری کرده‌اند، یا از طرف مردم متهم به برخورد محدودگرایانه، نقض حقوق شهروندی و جز این‌ها شوند (کریمی‌خوزانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹-۱۷).

با فرض این‌که تربیت پلیس خوب، عاملی برای رشد و تربیت درست جامعه و دستیابی به جامعه‌ای مطلوب است مقصود از نگارش این مقاله، رفع برخی ابهامات ذهنی پلیس در انجام وظایف شغلی و سازمانی است. بررسی و رفع ابهامات نظری و چالش‌های اخلاقی پلیس در مسیر اجرای وظایف سازمانی، از یک‌سو می‌تواند از جنبه شخصی به آگاه‌سازی و تربیت خود افراد پلیس کمک کند و بستری مناسب را برای ارتقای سطح سلامت روانی و بهزیستی آنان فراهم سازد؛ و از سوی دیگر می‌تواند از جنبه سازمانی و برون‌سازمانی به صیانت از حقوق افراد پلیس، افزایش کیفیت کاری و افزایش مقبولیت آنان در نظر شهروندان کمک کند. بر اساس چنین اهدافی، تحقیق حاضر با استمداد از منابع دینی و تحلیل متون و استنباط اجتهادی، در پی اقامه دلیل و استخراج حکم فقهی برای وظایف شغلی پلیس و پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که: آیا وظایف شغلی نیروی انتظامی، تکالیف شرعی نیز هستند؟ آیا افراد نیروی انتظامی در قبال تربیت جامعه اسلامی غیر از وظایف سازمانی، وظیفه‌ای شرعی نیز بر عهده دارند؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، حکم فقهی این وظیفه کدام است؟

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی در حوزه اخلاق پلیسی و راهبردهای تربیت دینی و اجتماعی نیروی انتظامی انجام شده اما هیچ تحقیقی از منظر و رویکرد فقهی به اقامه دلیل برای اثبات وظیفه‌مندی سازمان پلیس در جهت تربیت دینی و اخلاقی جامعه نپرداخته است.

حسینی و شایگان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد تربیت دینی و اجتماعی نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» به چهار راهبرد: (۱) مردم‌داری؛ (۲) قانون‌مندی؛ (۳) دین‌مداری؛ (۴) پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای اشاره کرده‌اند. محققان در این مطالعه، صرفاً به راهبرد تربیت دینی و اجتماعی نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته‌اند و هیچ‌گونه بررسی فقهی درباره وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت جامعه اسلامی انجام نداده‌اند.

کریمی‌خوزانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در مدیریت ازدحام‌های اعتراض‌آمیز» به برخی از ابهامات و چالش‌های نیروهای پلیس در هنگام ازدحام‌های اعتراض‌آمیز پرداخته و بیان کرده‌اند که برخی از رفتارهای پلیس می‌تواند رشد اخلاقی جامعه را مختل کند و به‌مثابه مانعی برای رشد عمل نماید. این محققان، به لزوم تدوین خط‌مشی‌های اخلاقی برای نیروهای پلیس اشاره کرده‌اند و به‌منظور مواجهه با این چالش‌ها، پیشنهادهایی را ارائه نموده‌اند که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و اخلاقی پلیس مورد استفاده قرار گیرد.

اعرافی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در تحقیقی با عنوان «وظیفه‌مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی» سعی کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که: «آیا افراد جامعه نسبت به تربیت اخلاقی یکدیگر وظیفه‌ای دارند». نزدیک‌ترین پژوهش یافت‌شده به پژوهش حاضر نیز همین پژوهش است و مهم‌ترین وجه افتراق آن با پژوهش حاضر، عمومی بودن موضوع و عدم اختصاص آن به قشر خاص، به‌ویژه نیروی انتظامی است.

طرقی و ابراهیمی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تربیت اجتماعی از منظر فقهی مبتنی بر نظام قواعد فقهی» تلاشی در جهت بررسی حکم فقهی تربیت اجتماعی مبتنی بر نظام قواعد فقه با استفاده از شیوه‌های متعارف فقهی داشته‌اند. در این تحقیق بیان می‌شود که محققان معتقدند در میان ادله قابل استناد فقهی، افزون بر قواعد فقه فردی، قواعد فقه اجتماعی نیز وجود دارد و طبق مفاد قواعد عامه مطرح‌شده، مسئولیت اجتماعی به شکل عام و در خصوص

تربیت اجتماعی در چارچوب احکام اولیه، ولایی و حکومتی وظیفه حکومت، خانواده، عالمان و عموم جامعه است. این پژوهش نیز ناظر به تکلیف نیروی انتظامی در قبال تربیت جامعه نیست و صرفاً به شکل عمومی به موضوع پرداخته است.

قوام (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی پلیس» موانع و آسیب‌های تربیت، تفاوت بین آموزش دینی با تربیت دینی، دیدگاه رهبر معظم انقلاب در مورد آموزش و تربیت را بررسی و در پایان مقاله نیز نقش فرماندهان ناجا را در تربیت دینی پلیس تبیین کرده است. وی یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان عقیدتی سیاسی ناجا را تربیت و پرورش کارکنان نیروی انتظامی دانسته و به موانع و مشکلات موجود بر سر راه این سازمان اشاره نموده است.

ادله وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی

در این جا به توضیح ادله وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی؛ ابتدا به ادله خاص و سپس به ادله عام پرداخته می‌شود.

۱. ادله خاص

در این بخش به شش دلیل که به شکل خاص به این وظیفه‌مندی ناظر است اشاره می‌گردد.

الف) آیات دال بر وظیفه‌مندی تربیتی پیامبر گرامی اسلام

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران: ۱۶۴).

علاوه بر این آیه، در سه آیه دیگر نیز به وظیفه تزکیه رسول گرامی اسلام اشاره شده است (بقره: ۱۵۱ و ۱۲۹؛ جمعه: ۲).

بر اساس این آیه، وظیفه تربیتی پیامبر گرامی اسلام، مقدم بر تعلیم آمده است که نشان از اهمیت وظیفه تربیتی آن حضرت دارد. روشن است که بدون ایجاد یک حکومت اسلامی، جامعه اسلامی تشکیل نمی‌شود و بستر رشد و تعالی و تزکیه مردم فراهم نمی‌گردد.

در مسیر تربیت جامعه اسلامی، پیامبر گرامی اسلام سختی‌های بسیاری تحمل کردند؛ تا جایی که خداوند متعال در قرآن کریم با عبارات مختلفی به حرص ایشان نسبت به تربیت امت خود اشاره فرموده‌اند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، آیه ۱۲۸)؛ «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء، آیه ۳)؛ «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ» (شوری، آیه ۴۸)؛ «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور، آیه ۵۴).

براین اساس، می‌توان گفت حاکم جامعه اسلامی در عصر غیبت، نیز باید با پیروی و تأسی از آن حضرت، راه او را در تربیت جامعه اسلامی ادامه دهد و همچون پیامبر گرامی اسلام، حریص بر تربیت و هدایت مسلمانان باشد. حاکم جامعه اسلامی یعنی ولی فقیه نیز بازوی توانمند چون نیروی انتظامی دارد که باید در این مسیر پیشگام باشد و با روش‌های گوناگون در تزکیه مردم بکوشد.

ب) آیه آمادگی در مقابل دشمنان

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰).

در این آیه شریفه، خداوند متعال افراد جامعه اسلامی را تشویق می‌کند تا در جهت مقابله با تهدیدها و تهاجم‌های دشمنان، هرچه در امکان و توان دارند به‌کار گیرند و آمادگی‌های لازم را کسب کنند و حتی با انفاق مال، به تشکیل نیروهای امنیتی و دفاعی اقدام نمایند. با توجه به این‌که تهاجم در روزگار کنونی شکل‌ها و شیوه‌های پیچیده‌ای پیدا کرده است و غیر از تهاجم‌های مسلحانه (جنگ سخت)، تهاجم‌های اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی (جنگ نرم) را دربر می‌گیرد. ماهیت جنگ نرم به‌گونه‌ای است که کوچه‌ها و خیابان‌ها و پارک‌ها و بازارهای

هر کشوری را به میدان‌های نبرد تبدیل کرده است. مسلماً مقابله با جنگ‌های سخت و نرم دشمنان امروزی، سربازان و جنگاورانی برخوردار از تجهیزات و مهارت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد و مجاهدان این جنگ‌ها به وظیفه شرعی خود عمل می‌کنند و مجاهدان فی سبیل الله هستند. فناوری مدرن و دسترسی همگانی به فضای بی‌حدومرز مجازی ابزاری برای وصول دشمنان به اهداف‌شان شده است. در این میان، برخورداری مردم جامعه اسلامی از باورهای عمیق و اخلاق ناب اسلامی از مهم‌ترین موانع کامیابی دشمنان است. در این میان افراد نیروی انتظامی می‌توانند یاوران مردم و نظام اسلامی در حفظ مرزهای اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی جامعه از هجمه‌ها و شبیخون‌های دشمنان باشند و در حفظ باورها و فرهنگ مردم نقشی اساسی ایفا کنند و نیرویی در جهت تربیت دینی و اخلاقی جامعه باشند.

ج) لزوم اطاعت از ولی امر

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد حق ولی امر مسلمین فرموده است:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا» (نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، خطبه ۳۴).

از جمله وظایفی که امیرالمؤمنین برای حاکم جامعه اسلامی برمی‌شمرد تعلیم و تأدیب مردم است. ولی امر جامعه اسلامی که در عصر غیبت، ولی فقیه جامع‌الشرایط است در اجرای این وظیفه تربیتی نیاز به یاری یاورانی دارد که نیروهای انتظامی یکی از آن‌ها به‌شمار می‌آیند. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری، برای نیروهای انتظامی، وظیفه تربیت اخلاقی را ترسیم نموده‌اند:

بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش‌هاست و این نیرو باید با اقتدار، عزت و رحمت خود، فضایی را ایجاد کند که آحاد جامعه، تقوا، پرهیزگاری، معنویت، دوری از فساد و دشمنی با هرگونه کج‌روی و انحراف را در آن مشاهده کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۴/۲۱).

از سویی با نظر به مسئولیت ولی فقیه در قبال تربیت دینی جامعه و از سوی دیگر لزوم یاری یاوران برای اجرای این امر مهم در سطح جامعه، مبنای فقهی وجوب وظیفه‌مندی افراد نیروی انتظامی قابل استنباط است. درواقع با توجه به لزوم اطاعت از ولی فقیه^۱ نیز می‌توان دلیلی بر این موضوع اقامه کرد؛ زیرا از یک سو وظیفه‌مندی ولی فقیه در قبال تربیت دینی جامعه و از سوی دیگر ضرورت اطاعت از ولی فقیه، دلیلی بر ضرورت وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در قبال تربیت دینی جامعه است. از یک جنبه شاید روشن‌ترین دلیل فقهی در وظیفه‌مندی نیروی انتظامی، فرمان‌های ولی فقیه و مطالبات ایشان از افراد این سازمان باشد. می‌توان گفت فرمان‌ها و منویات ولی فقیه به‌روشنی می‌تواند وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت اخلاقی جامعه را اثبات کند.^۲ دلایل مختلف در مورد «لزوم اطاعت از ولی فقیه در عصر غیبت» در جای خود بحث شده است (ازجمله ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ب، ۲: ۶۵۵-۷۱۲).

د) سیره

معصومان علیهم‌السلام نیز به تبعیت از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خود را موظف به تربیت دینی و اخلاقی پیروان می‌دانستند که در سیره گفتاری و عملی ایشان مشاهده می‌شود. این تربیت و تزکیه گاهی به شکل عمومی و گاهی به صورت خاص و خطاب به فرد یا گروهی خاص صورت می‌گرفت. همچنین گاهی این تربیت به صورت پیشگیرانه و گاهی به صورت درمانگرانه بود (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۷). شیعیان واقعی معصومان: در اصل پیروان سیره آن بزرگواران در نظر و عمل هستند، و هیچ کس بدون الگو قرار دادن سیره ایشان در سبک زندگی، نمی‌تواند مدعی شیعه بودن باشد. پیامبر گرامی اسلام در اهمیت این موضوع فرموده‌اند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸).

در سیره تربیتی امام صادق علیه‌السلام به تمامی ابعاد و ساحت‌های تربیتی - اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ساحت اجتماعی، سیاسی؛ ساحت زیستی و بدنی؛ ساحت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ساحت زیبایی‌شناختی و هنری؛ ساحت علمی و فناورانه - توجه شده است (کشاورز و ترکاشوند،

۱۳۹۶: ۳۱) و به همین دلیل قول و فعل و تقریر ایشان می‌تواند به‌عنوان اسوه حسنه، الگویی مطلوب برای پیروان باشد. این‌جا نیز همانند آنچه درباره پیامبر گرامی اسلام گذشت، شاید وجوب این تزکیه بر همگان را نتوان استنباط نمود ولی حداقل می‌توان استحباب آن را برداشت کرد و در صورت اثبات وجوب، به‌عنوان مؤید از آن بهره برد.

«تربیت» شاخه‌ها و شیوه‌های مختلفی دارد. یکی از آن‌ها که می‌تواند بیشترین کاربرد را برای افراد نیروی انتظامی داشته باشد «تربیت از طریق عمل» است.

امام صادق علیه السلام به شیعیان توصیه فرموده است: «مردم را به‌سوی ما دعوت کنید با حفظ خود از حرام‌های الهی و اجتناب از گناهان و با پیروی از آنچه رضایت الهی در آن‌هاست؛ در چنین حالتی است که همه مردم به‌سوی ما خواهند شتافت».^۳

آن حضرت در کلام موجز دیگری باز هم تأکید دارند که: «مردم را نه با حرف بلکه با رفتارشان [به دین] فراخوانید».^۴

هـ) قاعده تأسی

«قاعده تأسی» مستفاد از این آیه شریفه است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). «اسوه» به معنای مقتدا و سرمشق است، یعنی در اعمال و اقوال، رسول خدا برای شما سرمشق خوبی است. این آیه شریفه ضمن این‌که پیامبر اکرم را به‌عنوان الگو و پیشوا معرفی می‌کند، به پیروی از او و همانندی با او نیز توصیه کرده است (اعراف و دیگران، ۱۳۹۷). بر اساس قاعده تأسی همه مسلمانان موظف به تبعیت از رسول گرامی اسلام‌اند و از مهم‌ترین شئون رسالت حضرت، تربیت و هدایت مردم بوده است. چراکه خود حضرت نتیجه بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق معرفی نموده است (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸). از این‌رو همه مسلمانان باید در تربیت و هدایت دیگر مسلمانان کوشا باشند. درباره نیروهای انتظامی این تأسی حتی مؤکد نیز می‌گردد؛ زیرا نیروهای نظامی و انتظامی، بازوی ولی فقیه و مجری اوامر فرمانده کل قوا و تجلی اراده او هستند.

ممکن است گفته شود وجوب تزکیه امت از این جهت که احتمال دارد مقتضای مقام رسالی آن حضرت باشد، قابل تعمیم به سایر مکلفان نیست. همچنین ممکن است در این جا الغای خصوصیت از نبی مکرم اجرا نشود و «تزکیه» وظیفه انحصاری ایشان تلقی گردد؛ زیرا احتمال این که تزکیه، منصبی مختص و مرتبط با مقام رسالت ایشان باشد قوی است (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۷). باوجوداین، اگر نتوان تزکیه را با استفاده از این دلیل، وظیفه عمومی دانست، درعین حال استحباب آن را هم برای عموم و به‌ویژه نیروهای نظامی و انتظامی نمی‌توان رد کرد. نیروی انتظامی با افراد جامعه سروکار دارد و از شأن نمایندگی اراده نظام اسلامی در جامعه برخوردار است.

از سوی دیگر، اگر این وظیفه تربیتی برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ از جهت حاکم اسلامی بودن اثبات گردد، از آن جاکه ولی فقیه نیز غیر از شأن نبوت، از سایر شئون پیامبر در حکومت برخوردار است^۵ می‌توان این وظیفه را برای ولی فقیه نیز ثابت دانست. براین اساس می‌توان گفت نیروهای حکومتی به‌عنوان بازوی اجرایی حاکم اسلامی، در جهت تحقق و انجام وظیفه هدایت‌گری و ارشاد و حفظ ارزش‌های اسلامی در جامعه، مکلف‌اند و ازاین جهت نباید نسبت به تزکیه و تربیت اخلاقی جامعه بی‌تفاوت باشند.

و) برهان عقلی

شکی نیست که عقل در شناخت اصول و حدود فروع دین، جایگاهی ممتاز دارد و برای صاحبش حجت است. تربیت جامعه نقشی مهم در سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه دارد. با تربیت جامعه هم زندگی دنیوی سامان می‌پذیرد و هم زمینه برای کسب فضایل و عبودیت حقیقی پروردگار مهیا می‌شود. پس از آن جاکه عقلاً تربیت دینی جامعه برای فرد و جامعه رجحان دارد، هرکس که می‌تواند در این تربیت نقشی داشته باشد، باید به آن عمل کند. روشن است که برخورداری نیروهای انتظامی از قدرت قانونی، این رجحان را برای ایشان دارای اولویت می‌کند.

۲. ادله عام

در این بخش به هفت دلیل که به شکل عام بر وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت جامعه اسلامی دلالت دارد اشاره می‌گردد.

الف) قاعده اعانه بر برّ و تقوا

آیه «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مانده: ۲) بر رجحان و استحباب اعانه بر برّ و تقوی - اگر نه وجوب آن - دلالت دارد؛ چراکه امر به تعاون کرده است و امر مولا یا دلالت بر وجوب و یا حداقل استحباب دارد.

در برخی روایات موثق و مؤیدهای مضمونی غیر موثق، اعانه دیگران در کار نیک ستوده شده که مفید استحباب اعانه است. دلالت التزامی ادله وجوب امر به معروف، شامل اعانه بر فعل معروف (برّ) نیز هست؛ چون امر و اعانه تلازم دارند^۶ (اعرافی، ۱۴۰۰: ۴۵). چه معروفی بالاتر از تلاش در جهت تربیت صحیح که سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد. از این رو این قاعده نیز مؤید وظیفه‌مندی نیروی انتظامی بر تربیت و کمک افراد جامعه در کسب فضایل اخلاقی است. این امر با توجه به قوه قاهره‌ای که نیروی انتظامی بر اساس قانون از آن بهره‌مند است و امکانات چنین موضوعی را در اختیار دارد بیشتر نمایان می‌گردد. نیروی انتظامی با ممانعت از ترویج رذایل اخلاقی در جامعه و کمک به امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در ترویج فضایل اخلاقی و تربیت صحیح جامعه، مؤثر باشد. این موضوع افزون بر وظیفه قانونی، می‌تواند تکلیف شرعی آن نیز شمرده شود.

ب) قاعده امر به معروف و نهی از منکر

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴).

از جمله وظایف عموم مسلمانان در قبال یکدیگر امر به معروف و نهی از منکر است که اغلب به آیه شریفه ذکر شده مستند می‌شود و وجوب آن در واجبات و محرمات، جای بحث

و تردید نیست: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبَرِ... وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ...» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

از جمله معروف‌ها و منکرات نیز معروف‌ها و منکرات اعتقادی و اخلاقی است. علاوه بر این که عموم مردم مسلمان در مواجهه با منکرات اعتقادی و اخلاقی وظیفه نهی در مرحله انکار قلبی و زبانی دارند، نیروی انتظامی از آن جاکه در حکومت اسلامی نیرویی در جهت یاری نظام اسلامی است در این موضوعات نیز دارای وظیفه‌ای افزون بر انکار قلبی و زبانی است، به‌ویژه اگر لزوم امر یا نهی به مرحله عملی رسیده باشد که درواقع وظیفه از مکلف ساده برداشته می‌شود و باید به نیروی قاهره حکومت تفویض گردد.

با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، به‌خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومتی اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی‌ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق: ۲۳۲).

ج) قاعده ارشاد جاهل

بر اساس قاعده ارشاد، واجب است فرد جاهل در اصول دین، عقاید و معارف الهی و احکام شرعی هدایت شود. از نظر علما ارشاد جاهل به احکام شرعی واجب است و برای اثبات آن به آیاتی نظیر آیه شریفه نفر^۷ و روایات بسیاری استناد شده است (اعرافی، ۱۴۰۰: ۴۳-۴۵).
عناوین اعلام، تبلیغ و تعلیم نیز به جای ارشاد در کلمات فقها به کار رفته است. ارشاد

جاهل با امر به معروف و نهی از منکر، فرق دارد؛ ارشاد در جایی است که شخص، نسبت به حکم یا موضوع و یا هر دو جاهل باشد، برخلاف امر به معروف و نهی از منکر که فرد، عالم به حکم و موضوع است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱/۳۵۷). نیروهای انتظامی موظف‌اند با ارشاد جاهلان، مانع از گسترش منکرات - به سبب جهل به موضوع - در جامعه شوند. در مواردی هم به اصل حکم ارشاد می‌کنند.^۸

د) قاعده احسان

خداوند انسان‌ها را به «احسان» امر فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰). امام علی (علیه السلام) نیز فرموده است: «وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اَرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ» (نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۳۱).

از دیگر ائمه (علیهم السلام) نیز روایات بسیاری در این زمینه، وارد شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي التُّعْمَانِ الْعِجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: يَا أَبَا التُّعْمَانِ لَا يَغُرُّكَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ الْأَمْرَ يَصِلُ إِلَيْكَ دُونَهُمْ وَ لَا تَقْطَعْ نَهَارَكَ بِكَذَا وَ كَذَا فَإِنَّ مَعَكَ مَنْ يَحْفَظُ عَلَيْكَ عَمَلَكَ وَ أَحْسِنْ فَإِنِّي لَمْ أَرْ شَيْئاً أَحْسَنَ دَرَكاً وَ لَا أَسْرَعَ طَلَباً مِنْ حَسَنَةِ مُحَدَّثَةٍ لِدَنْبٍ قَدِيمٍ (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۵۴).

احسان مفهوم عامی دارد که مفاهیم متعددی مانند دوستی، محبت، اطعام، رافت و دلسوزی، انفاق و عفو و گذشت و ایثار را دربر می‌گیرد؛ به نحوی که منظومه‌ای را تشکیل می‌دهد. در واقع احسان یک عنوان انتزاعی است که بر مصادیق مختلف منطبق می‌شود و هر کدام از مصادیق مذکور نیز می‌تواند دلیل خاص داشته باشد. بنابراین احسان و بر مفاهیم عامی هستند که در آیات و روایات به آن‌ها توصیه شده است. روایات از لحاظ سندی ضعیف‌اند اما استعمال قرآنی صیغه امر که عمومیت این مفهوم در مصادیق مادی و معنوی متنوع، قرینه بر عدم الزام آن است، حداقل مفید استحباب است. این قاعده

عامه، ذیل عنوان «استحباب الإحسان الی الغیر» قاعده‌ای اجتماعی است که فراتر از تعلیم و تربیت دیگران است (اعرافی، ۱۴۰۰: ۵۴).

تلاش برای ایجاد نظم و امنیت در جامعه و ایجاد احساس امنیت و آرامش در مردم، ایستادگی در برابر زورگویان، احقاق حقوق مظلومان، پیشگیری از رواج منکرات و مانند این‌ها را می‌توان از جمله موارد احسان نیروی انتظامی نسبت به شهروندان در جامعه دانست. در واقع، بزرگ‌ترین احسان نیروی انتظامی به مردم همین ایجاد حس امنیت و آرامش است که در اشکال مختلف بروز می‌کند. چراکه احسان هر شخص یا مقام، متناسب خود اوست.

هـ) قاعده لزوم حفظ نظام

این قاعده در واقع برگرفته از روایاتی است که وجوب جهاد و بذل جان برای حفظ بیضه اسلام در صورت ترس از به خطر افتادن اصل اسلام را مطرح کرده‌اند (اعرافی، ۱۴۰۰: ۵۳). گرچه به آیاتی از قرآن کریم نیز در این باره می‌توان استناد کرد. از جمله آیاتی که از طریق پیروی از صراط مستقیم دعوت به وحدت می‌کند:^۹

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳).

طبق قاعده حفظ نظام، وقتی بی‌توجهی به رعایت نظم اجتماعی، موجب اختلال در نظام زندگی مردم می‌شود، اقدام عملی برای حفظ نظام زندگی اجتماعی مردم الزامی است. حکومت دینی و حاکم اسلامی موظف است بر اساس این قاعده، به بسط و گسترش نیکی‌ها در سطوح فردی و اجتماعی بپردازد؛ تا حیات اجتماعی میسر شود (داودآبادی، ۱۳۹۲: ۴۸). نیروی انتظامی، نیروی حکومت دینی در پیشگیری از منکرات و گسترش نیکی‌ها در جامعه اسلامی است. در واقع نیروی انتظامی از طریق گسترش نیکی‌ها در جامعه -که رضایت و حمایت مردم را در پی دارد- به حفظ نظام کمک می‌کند.

(و) قاعده حفظ عزت اسلامی

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون، آیه ۸). در این آیه جمله خبری در مقام انشاء استعمال شده و مفاد آن، لزوم حفظ عزت جامعه اسلامی است. شاهد بر این گفتار روایتی است در کافی که از سماعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است^۱ که فرمود:

خدای تبارک و تعالی همه امور خود را به مؤمن واگذار کرده، ولی این که او خود را خوار کند به او واگذار ننموده، مگر ندیدی که خدای تعالی در قرآن کریم در این باره فرموده: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» که به حکم این آیه مؤمن باید عزیز باشد، و ذلیل نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۴۸۲).

بنابراین، بر اساس قاعده حفظ عزت اسلامی، عموم افراد جامعه نسبت به تربیت در ابعاد مختلف موظف هستند. این قاعده، دلیل فقهی بر وظیفه‌مندی حکومت، در تربیت است (طرقی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). پیداست که وظیفه حکومت از طریق نیروهای خود از جمله نیروی انتظامی تحقق می‌یابد.

عزت جامعه اسلامی آن‌گاه حفظ می‌شود که از یک‌سو مرزهای جغرافیایی و از سوی دیگر مرزهای اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی حفظ و صیانت شوند؛ پیداست که نیروی انتظامی در این باره نقشی اساسی و بی‌بدیل دارد.

همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز به وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در عرصه‌های مختلف امنیتی از جمله در حفظ امنیت اخلاقی تصریح نموده‌اند:

ناامنی فقط به این نیست که دزد به خانه‌ها یا مغازه‌ها یا بازار یا خیابان بیاید. این، یک‌طور ناامنی است، ناامنی مالی است. ما ناامنی عرضی و ناموسی هم داریم؛ جلوی آن را هم، شما باید بگیرید. ناامنی اخلاقی هم داریم؛ در آن جا هم، شما باید وارد میدان بشوید. البته ناامنی اخلاقی، یک مرحله کار فرهنگی لازم دارد، یک مرحله کار مخفی لازم دارد، یک مرحله ریشه‌یابی لازم دارد؛ آن‌ها، کار دستگاه‌های دیگر است؛ اما آن جایی که جلوی چشم قرار می‌گیرد و موجب عدم امنیت اخلاقی جامعه می‌شود، آن‌که باید وارد میدان بشود، نیروی انتظامی است (مقام معظم



در بسیاری از نظام‌ها سبک‌های حکومت، قدرت و حکومت، جنبه‌ای ازاری ندارد بلکه به‌خودی‌خود، جزو اهداف شمرده می‌شود؛ یا اگر جنبه‌ای ازاری داشته باشد، در جهت منافع مالی و سیاسی و سلطه‌طلبی بیشتر و یا در جهت پیش بردن ایدئولوژی‌هایی است که بدان‌ها پایبندند. با توجه به این‌که غایت و هدف اسلام، رشد و هدایت و تربیت آدمیان و رساندن

آنان به سعادت واقعی در دنیا و آخرت است، حکومتی هم که بر پایه آموزه‌های اسلامی شکل می‌گیرد باید چنین اهدافی را دنبال کند؛ زیرا حکومت در اسلام، هدف نیست بلکه ابزار است. البته این مطلب بدین معنا نیست که اسلام جنبه حکومتی ندارد؛ بلکه مراد این است که نگاه اسلام به حکومت، نگاه ابزاری است و حکومت و قدرت به خودی خود هدف نیست؛ مگر این که در مسیر رسیدن به اهدافی باشد که اسلام دنبال می‌کند. بنابراین نقش حکومت و حاکمان باید در جهت رشد و تربیت و زمینه‌سازی برای رسیدن تک تک افراد جامعه به سوی کمال و سعادت باشد.

نیروی انتظامی به مثابه یکی از مهم‌ترین سازمان‌های اعمال حاکمیت در جمهوری اسلامی - پایه اصلی شکل‌گیری نظم و امنیت در جامعه اسلامی است و علاوه بر وظایف معمول خود، بر اساس مبانی فقهی، وظیفه تربیت دینی جامعه را نیز در حد توان بر عهده دارد و این وظیفه را می‌تواند از طریق بخش‌های مختلف خود در سطوح متفاوت جامعه اجرا کند. دلایل مختلفی برگرفته از قرآن و سنت دلالت بر وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در تربیت دینی جامعه دارند؛ از جمله آیه آمادگی در مقابل دشمنان، اطاعت از ولی امر و ولی فقیه، سیره معصومان علیهم‌السلام در تربیت اخلاقی و لزوم پیروی شیعیان، قواعد فقهی اعانه بر برّ و تقوا، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد جاهل، احسان، حفظ نظام و حفظ عزت اسلامی. افزون‌براین دلیل عقلی برای وظیفه‌مندی نیروی انتظامی در حوزه تربیت اخلاقی جامعه قابل اقامه است. گرچه برخی از این دلایل بر استحباب این وظیفه دلالت می‌کنند اما برخی از ادله همچون لزوم تبعیت از ولی امر، دلالت بر وجوب این وظیفه دارند. مسلماً آگاهی کارکنان نیروی انتظامی از این وظیفه‌مندی و نیز آگاهی آحاد مردم در جامعه اسلامی، می‌تواند در فراهم شدن اقتضائات و رفع موانع مؤثر باشد و حرکت به سوی جامعه مطلوب و متعالی و سرانجام، تمدن اسلامی را تسریع نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹).
۲. در این زمینه می‌توان به فرمان‌ها و بیانات بسیار ایشان درباره نیروی انتظامی در دیدار با مسئولان و فرماندهان نیروی انتظامی مراجعه کرد که به چند مورد در متن اشاره شده است از جمله: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی انتظامی، ۱۳۷۴/۴/۲۱.
۳. «وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِلْمُفَضَّلِ أَيْ مُفَضَّلُ قُلِّ لَشَيْعَتِنَا كُونُوا دُعَاةَ إِلَيْنَا بِالْكَفِّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ اجْتِنَابِ مَعَاصِيهِ وَ اتِّبَاعِ رِضْوَانِ اللَّهِ فَإِنَّهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ كَانَ النَّاسُ إِلَيْنَا مُسَارِعِينَ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۱: ۵۸).
۴. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِالسَّيِّئَاتِكُمْ» (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۷۷).
۵. (مسأله ۲): فی عصر غیبة ولی الامر و سلطان العصر - عجل الله فرجه الشريف - يقوم نوابه العامة - وهم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوى و القضاء - مقامه فی اجراء السياسات و سائر ما للإمام علیه السلام إلا البدأة بالجهاد (موسوی خمینی، ۱۳۹۲ الف، ۱: ۵۱۳).
۶. به این معنی که: امر به معروف خود نوعی اعانه و کمک بر فعل معروف و نیک است.
۷. «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲) «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به‌سوی آنان بازگشتند بیم دهند، باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند».
۸. یعنی برای مثال، اصل حکم حرمت کشف حجاب را متذکر می‌شوند.
۹. همچنین آیات ۱۵۳ و ۱۵۹ از سورة انعام.
۱۰. «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ يَرَقَوْلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَاهُنَا - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنُ يُبْغِي لَهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونَ ذَلِيلًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۶۴).

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الإسلام*، به کوشش آصف فیضی، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۵ق.

اعرافى، علیرضا، *فقه تربیتی ۳۰*؛ قواعد فقه تربیتی، نگارش سید عنایت الله کاظمی، اشراق و عرفان، قم، ۱۴۰۰ش.

برنجکار، رضا؛ نصرتیان اهور، مهدی، *قواعد کلامی*، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۶ش.

حمیری، عبدالله ابن جعفر، *قرب الإسناد*، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، ۱۴۱۳ق.

ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی الثانی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، به کوشش مجتبی عراقی، دار سیدالشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

اخلاقی، اسماعیل، «تربیت دینی در عصر مدرن»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۵۸، ۱۳۸۸ش.

اعرافى، علیرضا؛ محمودیان، حسین؛ شهامت، احمد، «وظیفه مندی عمومی در تربیت اخلاقی در فقه تربیتی»، *مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۵، شماره ۹، ۱۳۹۷ش.

امیدی فر، عبدالله؛ بیله‌ور، مرضیه، «بررسی فقهی قاعده ارشاد جاهل»، *پژوهش های فقهی*، دوره ۱۳، شماره ۳، ۱۳۹۶ش.

بناری، علی همت، «بررسی اولویت های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه»، *تربیت اسلامی*، شماره ۴، ۱۳۷۹ش.

پایگاه اینترنتی حوزه. hawzah.net

پایگاه اینترنتی مؤسسه اشراق و عرفان. www.eshragh-erfan.com

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، دار الکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

جمالزاده، ناصر و باباخانی، مجتبی، «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی-سیاسی امام خمینی»، *دانش سیاسی*، سال ۱۳، شماره اول، ۱۳۹۶ش.

- حسینی خامنه‌ای، سید علی، *اجوبة الاستفتائات*، دفتر مقام معظم رهبری، قم، ۱۴۲۴ق.
- حسینی، ناهید و فریبا شایگان، «راهبرد تربیت دینی و اجتماعی نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری» *بصیرت و تربیت اسلامی*، شماره ۵۰، ۱۳۹۸ش.
- داودآبادی، محسن، «تحلیلی بر قاعده فقهی اعانه بر بر و موارد کاربرد آن در عرصه حکومت»، *پژوهش نامه فقهی*، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۹۲ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دار العلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی، اسلامی، قم، ۱۳۷۴ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۰ش.
- طرقی، مجید و جواد ابراهیمی، «تربیت اجتماعی از منظر فقهی مبتنی بر نظام قواعد فقهی»، *مطالعات فقه تربیتی*، دوره ۵، شماره ۹، ۱۳۹۷ش.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲ق.
- کریمی خوزانی، علی و غلامرضا غفاری و فاطمه عزیزآبادی فراهانی، «چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در مدیریت ازدحام‌های اعتراض آمیز»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال سیزدهم، شماره ۱: ۹-۱۷، ۱۳۹۷ش.
- کشاوری، سوسن و سینا ترکاشوند، «تبیین سیره تربیتی امام صادق (علیه السلام) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی»، *تربیت اسلامی*، سال ۱۲، شماره ۲۴، ۱۳۹۶ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
- موسوی خمینی، سید روح الله (الف)، *تحریر الوسیله*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲ش.
- _____ (ب)، *کتاب البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۹۲ش.
- _____، *ولایت فقیه*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، تهران، ۱۴۲۳ق.
- واسطی زبیدی، سید محمدمرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)*، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۲۶ق.